



فردا چه کنیم؟

تعلیم و تربیت تمام ساحتی از منظر آینده پژوهی

سید احمد هاشمی



دانشیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

در عصر دانایی، دانش اساسی‌ترین سرمایه انسان‌ها، سازمان‌ها و حکومت‌هاست. این عصر، عصر رشد حیرت‌انگیز علوم و فناوری‌ها، هم‌افزایی میان آن‌ها و تغییر شتابان و عصر پیچیدگی و دنیای مجازی است. اغلب این تغییرات را نمی‌توان مهار کرد، بلکه می‌توان به پیشوازشان رفت و از آن‌ها پیش افتاد. امروزه آینده ثابت نیست و یک هدف متحرک است و برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بهتر نیازمند درک و فهم آینده هستیم. تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی، فرهنگی و بسیاری از عوامل دیگر، لزوم درک بهتر تغییرات و آینده را برای دولت‌ها، کسب و کارها، سازمان‌ها و مردم ایجاب می‌کند.

مفهوم آینده پژوهی

آینده پژوهی فرایند نظام‌مند نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع است که با هدف شناسایی فناوری‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقاتی راهبردی صورت می‌گیرد که بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. **وندل بل**^۱ آینده پژوهی را به این شکل تعریف می‌کند: «آینده پژوهی رشته‌ای مستقل به‌شمار می‌رود که هدفش مطالعه منظم آینده است. آینده پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهتر هستند. آنان انتخاب‌های متعددی درباره آینده فراروی انسان‌ها قرار می‌دهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند».

برای آینده‌نگری نمی‌توان تاریخچه‌ای تعیین کرد؛ چراکه انسان را باید موجودی آینده‌جو دانست. رفتارهای هدفمند ما براساس تصورمان از آینده و به قصد ساختن فردایی بهتر صورت می‌گیرند. در فعالیت‌های آموزشی، پیشی گرفتن بر نیازها ضروری است، زیرا مانع عقب‌ماندگی و رکود پیشرفت همه‌جانبه جامعه می‌شود. به همین لحاظ، پیش‌بینی اوضاع و شرایط در چشم‌انداز قابل حصول و در آینده دور یا نزدیک ضروری است. باید نیازهای آینده جامعه برآورده شوند و متناسب با اهداف پیش‌بینی‌شده، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقدام کرد. سازمان‌های آموزشی با توجه به نقش خطیر خود در زمینه تعلیم و تربیت نسل‌های آینده، نیازمند نگرش و توجه جدی به آینده، نه تنها به‌منظور آمادگی برای بهره‌گیری از امکانات جدید، بلکه تلاش در زمینه ساختن آینده مطلوب هستند. آینده پژوهی پیش‌گویی رخدادهای آینده نیست، بلکه پیش‌بینی آن‌هاست (پیش‌گویی دال

بر ترسیم آینده‌ای قطعی و پیش‌بینی ارائه احتمالات نسبی است.) آینده به‌طور قطع و یقین در تمامی ابعاد پیش‌بینی نشده، بلکه به تصمیم‌هایی وابسته است که در زمان حال اتخاذ می‌شوند.

تعلیم و تربیت فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به‌منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. هدف کلی جریان تربیت در جامعه اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «تکوین و تعالی پیوسته‌ترین‌ها به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران را در هستی به‌درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی، متناسب با نظام معیار اسلامی، اصلاح کنند».

نظام آموزشی ما از تصور ما نسبت به آینده شکل می‌گیرد. از این رو، اگر تصور ما از آینده جامعه با واقعیت موجود آن منطبق نباشد، نظام آموزشی سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. آموزش و پرورش هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی توسعه و تعالی است و با توجه به این تغییرات و تحولات و بهره‌گرفتن منطقی از امکانات و انتخاب نزدیک‌ترین راه می‌توان این مسیر را به‌درستی تبیین کرد. توجه به آینده پژوهی و نگاه آینده‌نگرانه در آموزش و پرورش آهنگ تحول و ماندگاری فرایند تعلیم و تربیت است. آینده بر ما می‌تازد، پس باید برای رویارویی با آن آماده بود. مطالعات آینده، از آنجا که فرصتی ساختار یافته برای نگاه به آینده و بررسی نقش عوامل مؤثر در ایجاد آینده فراهم می‌کنند، امکان ایجاد چشم‌انداز مطلوب برای تصمیم‌گیران

و سیاست‌گذاران سازمان را به وجود می‌آورند. افق‌های نوین از طریق شناسایی و ایجاد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جدید، امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها در زمان آینده را میسر می‌سازد. این مطالعه قصد دارد تأملی آینده‌پژوهانه بر تربیت دانش‌آموزان در نظام آموزشی ایران داشته باشد. بر این اساس، پرسش‌های اساسی پژوهش این است که: اولاً، آینده‌پژوهی چه نقشی در تربیت مناسب دانش‌آموزان دارد؟ و ثانیاً، چگونه می‌تواند در تحقق اهداف ساحت‌های تعلیم و تربیت ایفای نقش کند؟

ضرورت توجه به آینده‌پژوهی در تعلیم و تربیت تمام‌ساحتی

توجه به آینده و شناخت محیط زندگی جامعه مورد مطالعه و کنشگران، سازوکارهای مؤثر برای تداوم فعالیت جامعه آموزش و پرورش کشور را تعیین می‌کنند. دستیابی به کارایی و اثربخشی در آموزش و پرورش نیازمند برخورداری از رویکرد تغییر و کاربست تغییرات بر اساس شرایط آتی است. ایجاد چارچوب و تشکل مناسب تربیتی در مواجهه با ویژگی‌های زیست‌بوم نو، مستلزم شناخت آینده است و بدون آن امکان ندارد. علاوه بر آن، سرعت تغییرات و چالش‌ها نیز پرداختن به آینده را در زمینه اهداف و مأموریت‌های آموزش و پرورش غیرقابل اجتناب کرده است. این حجم تغییر و سرعت ناشی از افزایش اتکالی بشر به دانش در زندگی و توسعه و گسترش فناوری، پدیده‌هایی بسان جهانی‌شدن را به همراه داشته که بسیار تأثیرگذار خواهند بود. آینده‌پژوهی در تعلیم و تربیت تمام‌ساحتی، به دلیل ارتباط آن با نسل در حال تربیت جامعه و تأثیر کارکرد آن بر کارایی سازمان‌ها، به خصوص نهاد متولی رسمی تعلیم و تربیت بر موفقیت سازمان‌های کشور در بلندمدت و همچنین مرجعیت آن‌ها در تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشی گرفتن بر نیازها در فعالیتهای آموزشی و تربیتی حیاتی و الزامی است، زیرا نبود توجه به آن، مانع عقب‌ماندگی و رکود پیشرفت همه‌جانبه جامعه می‌شود. به همین دلیل، پیش‌بینی اوضاع و شرایط و نگاه به آینده ضروری است و باید نیازهای آینده جامعه برآورده شوند و براساس اهداف پیش‌بینی‌شده برنامه‌ریزی کرد. تلفیق امور و تعامل حوزه‌های گوناگون باعث ایجاد مجموعه‌ای از نیازهای آموزشی در سطح سازمان‌های کشور می‌شود که در کنار تأثیر رشد فناوری بر اقتصاد، اخلاق، سیاست، فرهنگ و هنر، نهاد آموزش و پرورش را با طیف گسترده‌ای از درخواست‌های

متنوع در حوزه‌های گوناگون در آینده مواجه می‌کند. در سطوح بالای تصمیم‌گیری، تعیین و تبیین اهداف و سیاست‌ها و طرح‌ریزی برنامه‌های آموزشی، به چشم‌اندازهایی بستگی دارد که از آینده ترسیم می‌شود. واضح است که چشم‌انداز مطلوب باید همه جوانب را در نظر بگیرد و سپس تهیه و تدوین شود و این موضوع پاسخ‌گویی به امور آینده در سطح آموزش و پرورش و توجه به چشم‌اندازهای مطرح در آینده‌پژوهی را ضروری می‌سازد.

اهداف آینده‌پژوهی در تعلیم و تربیت تمام‌ساحتی

آینده‌پژوهی در تربیت متوازن و تمام‌ساحتی دانش‌آموزان کشور با رویکرد پاسخگویی به نیازهای آتی کشور و تربیت نسل‌های آینده براساس آموزه‌های اسلامی در کلیه حوزه‌ها، می‌تواند اهداف متعددی را تعقیب کند. با توجه به تأثیر و اهمیت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در تعیین چگونگی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، برخی از اهداف با رویکرد مذکور که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از:

تعریف آینده‌های مرجح آموزشی: ایفای نقش در آینده، بدون تعریف شفاف از آن ممکن نخواهد بود. ترسیم شرایط آینده کشور به واسطه پیش‌بینی اهداف و راهکارها از طریق فعالیت‌های آینده‌پژوهی امکان‌پذیر است. توجه به تغییرات از مؤلفه‌های مهم در ترسیم چشم‌انداز آینده خواهد بود.

ارائه تصویری از وضعیت آتی فناوری و تأثیر آن بر فعالیتهای آموزشی و تربیتی: رشد سریع فناوری و دانش بشری موجب منسوخ‌شدن بسیاری از امکانات و تجهیزات مورد استفاده در فرایند یاددهی-یادگیری شده است. پیگیری مداوم تغییرات فناوری و دستاوردهای جدید و ترکیب آن‌ها در راستای فعالیت‌های آموزشی، امکان موفقیت در یادگیری را بالا خواهد برد. ورود فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به زندگی،

تغییر شرایط و موقعیت‌ها با سرعتی حیرت‌انگیز را در هزاره فعلی به دنبال داشته که ضمن ایجاد پیچیدگی در روابط و مراودات حاضر، مشغولیت ذهنی و شغلی مسئولان نهادها و سازمان‌ها را به دنبال داشته است. واضح است، در این شرایط تأثیر فناوری در تحولات آینده و چالش‌های احتمالی اجتماعی و فرهنگی را نمی‌توان نادیده گرفت. مطالعه ژرف‌فاندیشانه و تفکر در این زمینه از ضرورت‌های مطالعات آینده است.

پیش‌بینی موقعیت‌های

جدید ناشی از تغییرات:

توجه به آینده و گذر از قالب‌های فعلی، باعث تغییر

نگرش‌ها و توجه به موقعیت‌ها و شرایط می‌شود. بسیاری از تغییرات فعلی با این رویکرد به امکانی برای موفقیت بیشتر آموزش و پرورش بدل می‌شود که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- فراهم کردن شرایط برای استفاده از فرصت‌های در حال رویش در سطح تعلیم و تربیت کشور؛
- پیش‌بینی آسیب‌های فرهنگی و آموزشی ناشی از شرایط نوین؛
- ایجاد تغییر در ساختار فعلی و مأموریت‌های آتی با هدف پایش چالش‌ها؛
- بازنگری راهکارها و چشم‌اندازهای آموزش و پرورش؛
- تخمین و تعیین نیازمندی‌های نوین متناسب با آینده؛
- آمادگی مسئولان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش در مواجهه با شرایط آینده.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

جهان پر از تغییر و چالش کنونی، تعلیم و تربیتی را می‌طلبد که متناسب با چالش‌ها بتواند نیازهای جامعه را برآورد و برای خواسته‌های آنان در زمان مناسب پاسخی درخور ارائه دهد. برنامه‌های درسی متناسب با اسناد بالادستی باید به دنبال تحقق آموزش و پرورشی تمام‌ساحتی باشند تا بتوانند با تربیت دانش‌آموزان توانمند و آینده‌ساز پاسخ‌گوی نیازهای آتی جامعه باشند. لذا ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی و فرایند تعلیم و تربیت در دوره‌های تحصیلی بیش از گذشته ملموس است. آینده‌پژوهی در تربیت تمام‌ساحتی به دلیل ارتباط آن با نسل در حال تربیت جامعه و تأثیر کارکرد آن بر کارایی نهادها در آینده و موفقیت آن‌ها در بلندمدت و نقش آن در تأمین نیروی انسانی متخصص و متعهد و شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه و پرورش افرادی آگاه، توانمند، سالم، متعهد، با نشاط و با انگیزه، یکی از مأموریت‌های ویژه نهاد تعلیم و تربیت در تمامی دوره‌هاست. نیازسنجی در سطح جامعه و بازتاب دادن خواسته‌ها به مدیران رده‌بالای آموزش و پرورش، از مأموریت‌های اصلی مطالعات آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی و پاسخگویی به نیازهای آتی کشور و تربیت نسل‌های آینده براساس آموزه‌های اسلامی در کلیه ساحت‌ها، می‌تواند اهداف متعددی را تعقیب‌کننده از جمله:

- برقراری ارتباط مؤثر بین تعلیم و تربیت و فناوری؛
 - سازگار کردن برنامه‌های درسی با تغییرات و پیش‌بینی تغییرات؛
 - تلفیق رشته‌های علمی و موضوعی و گسترش آموزش میان‌رشته‌ای؛
 - پرورش و تقویت مهارت تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان؛
 - تربیت شهروندانی با رویکرد و نگاه جهانی.
- استقرار نظام پژوهشی کارآمد برای انجام پژوهش‌های اساسی و بنیادی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، مبتنی بر شناخت دقیق نیازهای جامعه و ویژگی‌های تربیتی

و شناختی نسل آینده، از طریق تعامل با فناوری و تغییرات شخصیتی نسل‌ها و همچنین تغییرات ناشی از روند همه‌گیر شدن کرونا، نیازمند تغییرات اساسی در برنامه‌های درسی است و به جای سلیبی‌خوردن از تغییرات آتی غیرقابل پیش‌بینی در حوزه تعلیم و تربیت و سایر ارکان جامعه، باید با آمادگی به استقبال تغییرات رفت و کاری کرد تا کمترین آسیب متوجه نظام آموزشی شود.

راهکارهای عملی تحقق تعلیم و تربیت تمام‌ساحتی

- زمینه‌سازی برای استقرار نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز به‌منظور توجه به زیست‌بوم‌های متفاوت کشور؛
- توجه به آموزش چندفرهنگی و لحاظ کردن ارزش‌های ملی و محلی در برنامه‌های درسی؛
- ارتباط مؤثر با صنعت و بازار کار و نیازسنجی در زمینه تأمین نیروی انسانی مورد نیاز صنایع بومی؛
- لحاظ کردن تغییرات ساختاری در برنامه درسی آشکار و بهره‌گیری از مطالعات سازمان‌های آینده‌پژوه برای پیش‌بینی تغییرات در حوزه‌های گوناگون موضوعی و دیسپلینی؛
- بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی و مطالعات مؤثر کشورهای پیشرو؛
- با تکیه بر اسناد بالادستی و ظرفیت‌های بومی؛
- تقویت نقش معلمان و مدیران در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و پررنگ کردن رویکرد مدرسه‌محوری.

پی‌نوشت

1. Wendell Bell

منابع

۱. خلیفه، رضا؛ خلیفه، مصطفی (۱۳۹۷). رویکرد آینده‌پژوهی و نقش و اهداف آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت نوین. آموزش پژوهی.
۲. رستمی، محسن؛ کشاورز، عیسی؛ خجسته، رضا (۱۳۹۷). مبانی آینده‌پژوهی. پشنتیان. تهران.
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. مؤلف. مشهد.
۴. صحبت‌لو، علی؛ نادری، مهدی (۱۳۹۹). تأملی آینده‌پژوهانه بر تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران. فصلنامه آموزش پژوهی دانشگاه فرهنگیان. دوره هفتم، شماره ۲۵.
۵. علیزاده، مه‌ری و جهانیان، رمضان (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی در آموزش و پرورش. مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش. سال سوم، شماره ۲۲.
۶. موسویان، مرتضی و نیری، شهرزاد (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی رسانه‌های دیجیتال نسل آتی با هدف سیاست‌گذاری. پشنتیان. تهران.
۷. همتی، علیرضا؛ گودرزی، محمدعلی (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی، ضرورت یا الزام در نظام‌های آموزش و پرورش. سومین همایش ملی آینده‌پژوهی. بهمن‌ماه ۱۳۹۳. تهران.

8. Bell, Wendell (2003). Foundations of Futures Studies. History, purposes, and knowledge. New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.), Transaction Publishers.